



Examining the Dimensions of the United States' Hybrid Warfare against the Islamic Republic of Iran and Its Counter-strategies

Behnam Rashidizade

Assistant Professor and Faculty Member, Imam Sadeq (AS) Islamic Sciences Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding author).

behnam.rashidizade@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Ali asghar Nasiri

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Islamic Studies, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran.

a.nasiri@shahroodut.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Abstract

Hybrid warfare is one of the modern warfare models in the contemporary era. Among the countries that have been subjected to hybrid aggression by the United States in recent years is the Islamic Republic of Iran, which is recognized as an independent and anti-hegemonic state. Despite the importance of this issue, little research has been conducted on this topic. Accordingly, this article seeks to examine the dimensions of the United States' hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran and the strategies to counter it. To achieve this goal, a documentary-analytical research method has been employed. The findings indicate that the U.S. hybrid warfare against Iran encompasses various dimensions, including intelligence, political, economic, social, cyber, and conventional and asymmetric military components. The necessity of maintaining national unity and social cohesion, adopting reciprocal measures, and applying a combined strategy of defense and offense are among the most important approaches to countering U.S. hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran.

Keywords: United States of America, Hybrid Warfare, Islamic Republic of Iran, Combined Strategy.





مقاله پژوهشی

بررسی ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی ایران و راه کارهای مقابله با آن

بهنام رشیدی زاده

استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

behnam.rashidizade@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

علی اصغر نصیری

استادیار و عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.

a.nasiri@shahroodut.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

جنگ هیبریدی ازجمله الگوهای مدرن جنگ در عصر حاضر به شمار می‌رود. در این بین، جمهوری اسلامی ایران ازجمله کشورهای مستقل و ضد سلطه‌ای است که در سال‌های اخیر آماج تهاجم هیبریدی ایالات متحده آمریکا واقع شده است. با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین مقاله حاضر درصدد است تا ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن را بررسی نماید. بر این اساس، برای نیل به هدف مذکور از روش اسنادی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های مقاله حاضر حاکی از آن است که جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، ابعاد مختلف اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سایبری و نظامی متعارف و نامتعارف را در برمی‌گیرد. ضرورت حفظ وحدت ملی و انسجام اجتماعی، مقابله به مثل و استفاده از راهبرد ترکیبی دفاع و تهاجم، ازجمله مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ هیبریدی ایالات متحده علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

واژگان اصلی: ایالات متحده آمریکا، جنگ هیبریدی، جمهوری اسلامی ایران، راهکار ترکیبی.



دسترسی به مقالات تشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.507137.1112

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

در عصر حاضر نبرد و جنگ هیبریدی به مثابه مفهومی جدید و راهبردی نوین در صحنه نظام بین‌الملل مورد نظر اندیشمندان قرار گرفته است. جنگ هیبریدی، تهاجمی ترکیبی وسیع، جامع و هم‌افزا بر اساس ادراک‌سازی و ایجاد آگاهی در بازیگر هدف است که سبب ایجاد ابهام در تحلیل و شناخت مخاطب می‌گردد. انقلاب اسلامی ایران که پیوسته آماج مدلهای مختلف حملات بوده در شرایطی پیروز گشت که دارای الگوی نوینی بود که در مقابل نظام سرمایه‌داری مسلط بر نظام بین‌الملل تعریف می‌شود. از همین رو این گفتمان نوین که از نظم جدیدی نیز حکایت دارد با عکس‌العمل سلبی و رویارویی شدید نظام سلطه مواجه شده است. به همین دلیل نظام سلطه با محوریت ایالات متحده آمریکا به همراه هم‌پیمانان منطقه‌ای خود با شکل دادن جبهه‌ای وسیع، درصدد براندازی نظام شکل‌گرفته از انقلاب اسلامی ایران برآمده‌اند. در این جهت، ایجاد جنگی نیمه‌سخت از طریق ایجاد ناآرامی‌ها در برخی مناطق کشور همچون کردستان و تحمیل جنگ تمام‌عیار نظامی با رژیم بعث عراق، از جمله اقدامات نظام سلطه در دهه اول انقلاب به شمار می‌آید. پس از شکست در دهه اول، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت امپراتوری رسانه‌ای، عرصه دیگری از مقابله نظام سلطه با انقلاب اسلامی ایران در دهه دوم محسوب می‌شود. ایجاد انقلاب‌های مخملی و رنگی همچون فتنه سبز در سال ۱۳۸۸ از جمله اقدامات سیاسی اجتماعی نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی در دهه سوم به شمار می‌رود. اعمال تحریم‌های اقتصادی هوشمند فلج‌کننده و حداکثری و نفوذ فکری و فرهنگی به‌ویژه از طریق بهره‌گیری از شبکه‌های مجازی همچون تلگرام نیز از جمله مهم‌ترین اقدامات نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی در دهه چهارم محسوب می‌شود؛ اما نظام سلطه با شروع دهه پنجم انقلاب اسلامی شکل نوینی از جنگ همه‌جانبه را در چهارچوب استراتژی فشار تمام‌عیار حداکثری با نام جنگ هیبریدی علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کرده است که دربرگیرنده همه ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی است. بنابراین، با توجه به پیچیدگی جنگ هیبریدی و همه‌جانبه نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران، از یک‌سو، شناخت ابعاد مختلف این الگوی جدید از نبرد و از سوی دیگر روش‌های مقابله با آن ضرورت می‌یابد. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، شناخت و تبیین ابعاد و زوایای جنگ هیبریدی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن است. بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت از این است که ابعاد جنگ هیبریدی ایالات

متحده آمریکا در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ در این مطالعه، پس از طرح مسئله پژوهش، مباحث در چهار بخش اصلی سازماندهی شده‌اند. ابتدا در بخش مبانی نظری، ضمن مرور پیشینه پژوهشی و بیان نوآوری‌های موجود، مفهوم جنگ هیبریدی و جنبه‌های گوناگون آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام بعد، روش‌شناسی تحقیق توضیح داده خواهد شد. در بخش تحلیل یافته‌ها، با استفاده از روش تحقیق و چهارچوب مفهومی ارائه‌شده، ابعاد مختلف جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران تحلیل شده و راهبردهای مقابله با آن تبیین می‌شود. در نهایت، در بخش چهارم، جمع‌بندی نتایج به همراه پیشنهاد‌های علمی و عملی ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. پیشینه تحقیق

تحقیقات صورت گرفته در عرصه جنگ هیبریدی به دو دسته اصلی قابل تقسیم هستند؛ منظور از تحقیقات دسته اول، مطالعاتی هستند که گسترش و بررسی نظری و تبیین ادبیات جنگ هیبریدی در آن‌ها بر پژوهش‌های مصداقی و کاربردی غالب است. به بیان دیگر در تحقیقات عمومی، تمرکز مباحث، بیان چیستی و چگونگی جنگ هیبریدی آن هم به‌طورکلی است؛ برخی از آثار در این زمینه بدین قرار است:

در مقاله قاسمی و اسماعیلی فرزین با عنوان: «جنگ هیبریدی در سیستم بین‌المللی پیچیده-آشوبی»، چیستی و چرایی جنگ هیبریدی با بهره‌گیری از اصول نظریه سیستم‌های پیچیده در محیط آشوبی بررسی شده است و به بیان دیگر، در این مقاله، جنگ‌های هیبریدی به‌عنوان یکی از الگوهای نوین جنگ در چهارچوب نظریه پیچیدگی و آشوب تبیین شده است (قاسمی و اسماعیلی فرزین، ۱۳۹۶: ۵۲-۹۲).

در مقاله کلاتری با عنوان: «تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی»: استراتژی‌های خرد و کلان جنگ احتمالی آینده با تمرکز بر اجرای جنگ هیبریدی مورد پژوهش واقع شده است (کلاتری، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۶۲).

در مقاله آذر با عنوان: «تبیین و تحلیل عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی»: عوامل تأثیرگذار در مدیریت عرصه‌های جنگ ترکیبی با بهره‌گیری از روش مصاحبه

و پرسش‌نامه بررسی شده است (آذر، ۱۳۹۵: ۴۷-۷۱).

در کتاب «کوربیکو»^۱ با عنوان: «جنگ ترکیبی: رویکرد غیرمستقیم و انعطاف‌ناپذیر به تغییر رژیم»؛ نویسنده مبتنی بر نتایج همایش امنیت بین‌المللی مسکو در ماه مه ۲۰۱۴، جنگ ترکیبی را به‌عنوان موضوعی حساس و جدید مورد بررسی قرار داده است (کوربیکو، ۲۰۱۵).
دسته دوم از تحقیقات، پژوهش‌های مصداقی و کاربردی مطالعاتی هستند که در آن‌ها بُعد اجرایی نبرد هیبریدی به‌واسطه بازیگر/ بازیگران خاصی بر تحقیقات نظری غالب است. بنابراین در این‌گونه از پژوهش‌ها در کنار بیان کلیاتی از جنگ ترکیبی به‌صورت موردی نیز اجرای آن در یک کشور نیز مورد بررسی واقع می‌شود. برخی از آثار در این زمینه بدین قرار است:

در مقاله نصیرزاده و همکاران با عنوان: «جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: عوامل اثرگذار، پیشران‌ها و ابزارها، اهداف و نقاط آماج دشمن»: الگوی جنگ دشمنان علیه جمهوری اسلامی در چهارچوب جنگ ترکیبی در پاسخ به این سؤال که «عوامل اثرگذار، پیشران‌ها و ابزارها، اهداف و نقاط آماج دشمن در جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران کدامند؟»، بررسی شده است (نصیرزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۹-۳۲).

در مقاله افتخاری و راجی با عنوان: «جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل ابعاد و روش‌ها»، ماهیت نبرد ترکیبی و مؤلفه‌های آن و نیز هدف کاربست آن توسط غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است (افتخاری و راجی، ۱۳۹۸: ۷۵-۱۱۱).

در کتاب مک‌کالو و جانسون با عنوان: «جنگ ترکیبی»، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نبرد هیبریدی، نبرد سال ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و جبهه شرقی در جنگ جهانی دوم بررسی شده است (مک‌کالو و جانسون، ۱۳۹۵).

در مقاله ثمودی پیلرود با عنوان: «جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی»، به اقدامات روسیه از طریق کاربست جنگ هیبریدی برای دستیابی به اهداف خود اشاره شده است (ثمودی پیلرود، ۱۳۹۹، ۱۷۳-۲۰۴).

«راتس»^۲ در کتاب «جنگ ترکیبی روسیه در اوکراین»، ضمن پرداختن به گسترش جنگ‌های نامتقارن به نقش حلقه اتصال میان نیروهای منظم و نامنظم در جنگ‌های ترکیبی

۱. Korybko

2. András Rác

توسط روسیه در تصرف شبه جزیره کریمه تبیین شده است (راتس، ۱۳۹۷).

۲-۱. مفهوم جنگ هیبریدی

علی‌رغم عدم وجود اجماع در مورد مفهوم جنگ هیبریدی، درباره ابداع جنگ هیبریدی به‌عنوان مفهومی جدید در فهم چرایی منازعات قرن حاضر توسط اندیشمندان از یک‌سو و توجه شدید سیاستمداران و کارشناسان امور نظامی در دهه اخیر به این مفهوم، میان بسیاری از نهادهای سیاسی و امنیتی جهانی اتفاق نظر وجود دارد. باین‌حال هنوز ابعاد آن به‌طور کامل بیان نشده است.

«ویلیام جی نمث»^۱ در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار اصطلاح جنگ هیبریدی را برای تبیین روش مبارزه چرینی‌ها استفاده نمود (مورای و منصور^۲، ۲۰۱۲: ۳). همچنین این اصطلاح برای توضیح عملیات حزب‌الله لبنان در جنگ سال ۲۰۰۶، علیه رژیم صهیونیستی، استفاده شد.

«داوز و باچمن»^۳ معتقدند که جنگ ترکیبی از جمله مفاهیم نوینی است که در تحقیقات جنگ، به‌خوبی به آن پرداخته نشده است. درواقع جنگ ترکیبی، به بهره‌گیری از شیوه‌های نامتعارف به‌مثابه قسمتی از یک رویکرد جنگی چندجانبه اشاره می‌کند. به وجود آوردن اختلال و ناکارآمد کردن عملیات دشمن، بدون مقابله و دشمنی واضح، هدف از کاربست آن شیوه‌ها است. از آنجاکه کشورها به دنبال رسیدن به اهداف خویش بدون گذر از آستانه آغاز نبرد متعارف هستند، بنابراین جنگ هیبریدی، با عباراتی همچون «منطقه خاکستری» و «روابط بین صلح و جنگ» نیز نامیده شده است (بارنز^۴، ۲۰۱۹: ۲۴۱).

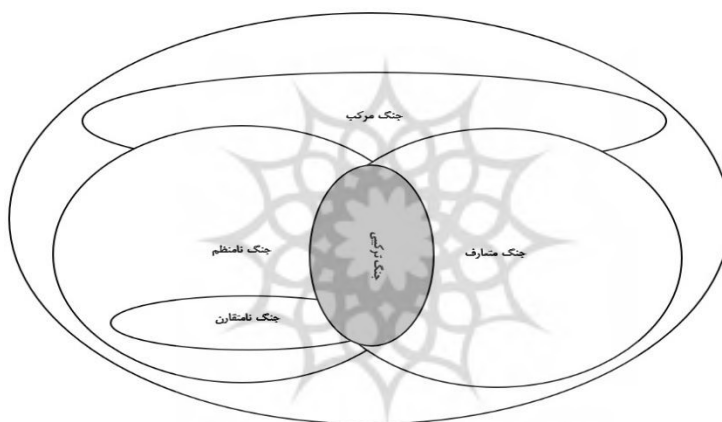
از نظر «هافمن»^۵ جنگ هیبریدی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن دشمن به‌طور هم‌زمان و هماهنگ از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی در فضای نبرد برای به‌دست آوردن اهداف سیاسی خود استفاده می‌کند (چمبرز^۶، ۲۰۱۶: ۴).

«مک‌کوئن»^۷ نیز در تعریف جنگ هیبریدی می‌نویسد: «از نظر شکلی مانند جنگ‌های متعارف است، سرنوشت جنگ در جنگ‌های هیبریدی کنونی در صحنه نبرد متعارف مشخص

1. William J. Knight
2. Murray & Mansour
3. Dawes & Bachman
4. Barnes
5. Hoffmann
6. Chambers
7. McCuen

نمی‌شود، بلکه در صحنه نبرد نابرابری تعیین می‌گردد که از سه صحنه نبرد مردم منطقه نبرد، مردم کشور اعزام کننده نیرو و مردم در جامعه بین‌المللی تشکیل شده است» (مک‌کوئن، ۲۰۰۸: ۱۰۹).

درمجموع می‌توان گفت که «جنگ هیبریدی، تهدیدی چندوجهی با رویکردی کل‌گرایانه محسوب می‌شود که یک یا چند بازیگر دولتی و غیردولتی، با در اختیار داشتن قابلیت نظامی و غیرنظامی، تهدیداتی چندوجهی، نیابتی و یا مستقیم، به صورت متعارف و غیرمتعارف، منظم و نامنظم و غیره در قبال صلح و امنیت یک کشور» برنامه‌ریزی و عملیاتی می‌کنند» (بالان^۱، ۲۰۱۶: ۳۲۲). در شکل (۱)، با توجه به تعاریفی که بیان گردید، وضعیت جنگ هیبریدی به‌عنوان یک روش جنگی جدید ترسیم شده است.



شکل ۱: جایگاه جنگ هیبریدی

در شکل (۲)، وضعیت جنگ هیبریدی به فضایی تعلق دارد که ترسیم‌کننده کاربست و ادغام تمام راهبردهای عملیاتی و تاکتیکی در نبردهای کلاسیک، نامنظم، ناهمتراز، ترکیبی است. فضای مذکور اوصاف دیگری همچون خشونت، جنگ سایبری، تروریست را نیز در اختیار گرفته تا به مقاصد خویش برسد؛ اما مؤلفه‌های مهم جنگ هیبریدی دربرگیرنده نیروهای نامنظم و ویژه، حمایت از اغتشاشات داخلی، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا، دیپلماسی، حملات سایبری، جنگ اقتصادی، نیروهای نظامی متعارف، نیروهای نظامی ویژه

^۱. Balan

است که در گزارش امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۵ ذکر شده است (گزارش امنیتی مونیخ^۱، ۲۰۱۵: ۳۵). همچنین انقلاب رنگی و جنگ نیابتی را نیز می‌توان به‌عنوان ابعاد دیگر از جنگ هیبریدی به‌شمار آورد.



شکل ۲: ابعاد جنگ هیبریدی

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش انجام پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت نظری آن، کیفی و از نوع اسنادی-تحلیلی و مبتنی بر استخراج داده‌هایی از منابع علمی و اطلاعاتی معتبر است. با توجه به ماهیت موضوع مقاله حاضر که به بررسی ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، انتخاب روش کیفی از نوع اسنادی-تحلیلی، با ملاحظات نظری و منطقی مشخصی صورت گرفته است که به اختصار بیان می‌گردد:

ماهیت نظری و پیچیده موضوع تحقیق: جنگ هیبریدی، مفهومی چندبُعدی و پیچیده در حوزه‌های امنیتی، نظامی، سیاسی، روان‌شناختی و اطلاعاتی است که بیشتر از آنکه متکی به داده‌های کمی و آماری باشد، درک و تبیین آن نیازمند تحلیل مفهومی و گفتگومانی است. ازاین‌رو، روش تحقیق کیفی بهترین ابزار برای فهم سازوکارها و مصادیق چنین تهدیدی محسوب می‌شود.

بررسی اسناد و منابع معتبر به‌عنوان داده‌های اصلی: موضوع جنگ هیبریدی در مصادیق

^۱. Munich Security Report

مرتبط با جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در قالب اسناد، گزارش‌های تحلیلی، متون سیاست‌گذاری، متون تخصصی راهبردی، بیانیه‌ها، مطالعات امنیتی مراکز تحقیقاتی غربی و داخلی و منابع ثانویه قابل دسترسی است. این امر ایجاب می‌کند روش تحقیق اسنادی - که مبتنی بر استخراج و تحلیل داده‌ها از منابع مکتوب و رسمی است - در پژوهش به کار گرفته شود.

تحلیل راهبردی و استنتاج محور: هدف نهایی مقاله، علاوه بر توصیف ابعاد جنگ هیبریدی، ارائه راهکارهای مواجهه و مقابله با آن است؛ بنابراین، پژوهش نیازمند تحلیل تطبیقی، استنتاجی و تفسیری از داده‌های استخراج‌شده از منابع و اسناد موجود است. این امر با ماهیت روش تحلیلی در سنت تحقیقات کیفی هم‌خوانی دارد.

پیشینه روش‌شناسی در مطالعات مشابه: در ادبیات موضوعی مرتبط با جنگ‌های ترکیبی، هیبریدی، جنگ نرم و عملیات شناختی، استفاده از روش کیفی - اسنادی و تحلیلی در پژوهش‌هایی مشابه، چه در سطح مطالعات استراتژیک و مطالعات امنیت ملی و چه در تحقیقات دانشگاهی رویکردی متداول و پذیرفته شده است.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱. ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران

فشار حداکثری که از آن با عنوان جنگ هیبریدی یاد می‌شود، جنگی تمام‌عیار و وسیع است که ایالات متحده در آغاز چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است. این جنگ با هدف تضعیف و براندازی و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران در برگزیده دامنه وسیعی از اقدامات مختلف در لایه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی است.

نبرد اطلاعاتی، کاستن از مشروعیت سیاسی ایران در میان جوامع سیاسی، عملیات روانی، استفاده از بازیگران غیردولتی در جهت ضربه زدن به امنیت پایدار ایران، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای حقوقی و مدنی بین‌المللی با هدف افزایش فشار به جمهوری اسلامی ایران ابعاد اصلی این جنگ همه‌جانبه را تشکیل می‌دهد.

از همین رو در این قسمت به مهم‌ترین ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه

جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. بُعد اطلاعاتی

بهره‌گیری از شبکه‌های الکترونیکی با هدف نابودی یا غیرفعال نمودن زیرساخت‌های اطلاعاتی دشمن را جنگ اطلاعاتی می‌گویند. جامعه هدف در این جنگ علاوه بر نیروهای نظامی شامل افراد غیرنظامی نیز می‌شود. جنگ الکترونیکی، جنگ جاسوسی‌محور و جنگ کنترل و فرماندهی مصادیق جنگ اطلاعاتی علیه نیروهای نظامی را تشکیل می‌دهد. سرقت یا تخریب اطلاعات رایانه‌ای، جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی - اقتصادی نیز از جمله مصادیق جنگ اطلاعاتی علیه اشخاص غیرنظامی را تشکیل می‌دهد.

در این‌بین، جنگ اطلاعاتی و عملیات روانی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی از جمله مهم‌ترین ابزارهای جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه نظام جمهوری ایران است. تلفن‌های هوشمند و سکوها‌های فعال در فضای مجازی نقش بسزایی را در تحقق جنگ اطلاعاتی مذکور ایفا می‌کنند. طبق آمار منتشرشده در داشبوردهای برخط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، بیش از ۱۴۷ میلیون مشترک وجود قریب به ۴۸ میلیون تلفن هوشمند فعال در اختیار مردم ایران که قریب به ۵۰ درصد آنان برخط هستند (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ۱۴۰۲). همچنین وجود قریب به ۱۰۰ هزار کانال ایرانی در تلگرام فقط بستر مساعدی برای جنگ اطلاعاتی و عملیات روانی ایالات متحده آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌نماید. نقش‌آفرینی کانال‌های فعال در فضای مجازی در اغتشاشات و ناآرامی‌های سال‌های گذشته به‌ویژه، در سال ۱۴۰۱ و تأثیرگذاری برجسته در التهاب‌آفرینی و بحرانی نشان دادن فضای سیاسی و اقتصادی ایران، خود شاهدی گویا در این زمینه است.

۳-۱-۲. بُعد سیاسی

ایالات متحده آمریکا از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، با هدف محدود کردن حضور و نقش‌آفرینی ایران در جوامع و سازمان‌های بین‌المللی به شیوه‌های گوناگون همچون وارد آوردن فشارهای دیپلماتیک و تحریم تلاش نموده است تا در نظام بین‌الملل نوعی اجماع

علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید و آن را در عرصه جهانی منزوی نماید. در این زمینه می‌توان به مواردی همچون پشتیبانی از معاندین و ضد انقلاب خارج از کشور و نیز کمک به گروه‌ها و جریان‌های تکفیری و تروریستی علیه جمهوری اسلامی، برپایی کنفرانس‌های بین‌المللی با هدف اجماع‌سازی و تصویب قطعنامه‌های ضد ایرانی (تحریم اقتصادی، نقض حقوق بشر و غیره) در شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد. برپایی نشست‌های ریاض و ورشو با حضور بیش از ۶۰ کشور برای به وجود آوردن جبهه‌ای وسیع در عرصه جهانی علیه ایران با هدف معرفی ایران به‌عنوان مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا، اعلام پشتیبانی از قطع روابط دیپلماتیک عربستان با جمهوری اسلامی ایران و در پی آن، مجبور نمودن بحرین و جیبوتی به قطع روابط دیپلماتیک و نیز وادار نمودن امارات و قطر به کاستن از روابط خود با نظام ایران، مواردی دیگر از اقدامات سیاسی دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا در جهت جنگ هیبریدی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است. همچنین اسناد جدید افشا شده از وزارت خارجه آمریکا در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ حکایت از راهبرد جنگ ترکیبی و تمام‌عیار این کشور علیه نظام جمهوری اسلامی دارد. در این‌بین تلاش برای ایجاد صندوق حمایتی بین‌المللی از اغتشاشگران، استفاده از ابزار تحریم‌های گسترده بین‌المللی نیروهای انتظامی، بسیج، فرماندهان نواحی و استانی، فرمانداران، استانداران، مقامات قضایی و شرکت‌های فناوری و مخابرات ایران، همچنین کوشش در جهت اخراج ایران از کمیسیون زنان و تلاش برای طرح و تصویب قطعنامه‌هایی متعدد علیه ایران در سازمان‌های بین‌المللی تنها بخشی از اقدامات دیپلماتیک سیاسی ایالات متحده در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ است که نشان‌دهنده طرح و برنامه‌ریزی ایالات متحده برای ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران است (تهران‌تایمز^۱، ۲۰۲۳).

۳-۱-۳. بُعد اقتصادی

جنگ اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اصلی جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا هماهنگ و هم‌زمان با دیگر ابزارهای جنگ هیبریدی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این جنگ از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون به‌تدریج ماهیتی جامع و همه‌جانبه و

^۱. Tehran Times

شدید یافته است. تحریم‌های چندجانبه و مختلف مالی، بیمه‌ای، بانکی و نیز جنگ وسیع ارزی، فلج نمودن فرایند تولید کالاهای اساسی و مورد نیاز کشور ازجمله مهم‌ترین مصادیق جنگ اقتصادی بی‌سابقه ایالات متحده آمریکا با هدف ایجاد فشار فزاینده علیه جمهوری اسلامی ایران است. هدف از فشار اقتصادی مذکور نیز در این جنگ هیبریدی به وجود آوردن شرایط سخت اقتصادی در جامعه و به دنبال آن، تحریک نمودن افکار عمومی و تولید نارضایتی عمومی و در نتیجه ناکارآمد جلوه دادن نظام و به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل نیز آیت‌الله خامنه‌ای ضمن معرفی جنگ اقتصادی به‌عنوان جنگی تمام‌عیار، آن را هم‌سو با جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌نمایند:

«اگرچه تحریم‌های اقتصادی آمریکا از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی شروع شد ولی از سال ۲۰۱۲ تحریم‌های اقتصادی علیه ایران چندین برابر شده و ایالات متحده آمریکا با هدف اصلی محدود کردن قدرت هسته‌ای و جلوگیری از افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، جنگ اقتصادی تمام‌عیاری با ایران راه انداخته است که باعث کاهش رشد اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی ایران و سختی مبادلات ارزی می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷).

از منظر ایشان در این جنگ اقتصادی نیز، وزارت خزانه‌داری آمریکا نقشی محوری دارد و به‌عنوان اتاق جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرینی می‌کند:

«دشمنان ما فهمیده‌اند و دانسته‌اند که اگر وارد درگیری و برخورد سخت و نظامی با ما بشوند، پایشان گیر می‌افتد؛ بله، به ما ضربه می‌زنند؛ اما خودشان ممکن است چند برابر ضربه بخورند؛ این را فهمیده‌اند ... امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ما است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۲/۱۰).

۳-۱-۴. بُعد سایبری

جنگ سایبری از جمله عناصر مهم در جنگ هیبریدی است و نوعی از جنگ است که در آن، دوطرف از رایانه و شبکه‌های مخابراتی و اینترنتی استفاده می‌نمایند. به عبارت دیگر، در جنگ سایبری، ارتباطات کامپیوتری و مخابراتی یک جامعه مورد حمله واقع می‌شود. در مقابل نیز امنیت سایبری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف حفاظت از شبکه، اطلاعات و داده‌های یک جامعه در مواجهه با هرگونه تهدید اعم از داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در عرصه سایبر تاکنون اقدامات سایبری خصمانه متعددی را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ترتیب داده است. تولید ویروس «استاکسنت»^۱ و یا ویروس «فلیم»^۲ و استفاده از آن برای خرابکاری در سایت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین مصادیق جنگ سایبری ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

۳-۱-۵. بُعد نظامی

بُعد نظامی جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دو سطح جنگ متعارف و جنگ نیابتی اعمال شده است؛ اما بُعد نظامی جنگ هیبریدی در سطح متعارف از طریق استفاده از نیروهای نظامی متعارف محقق می‌شود. استقرار پایگاه‌های نظامی متعدد در اطراف ایران از سوی ایالات متحده آمریکا و حضور مستقیم نیروهای نظامی ارتش آمریکا در کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران در راستای جنگ هیبریدی در بُعد نظامی متعارف تحلیل می‌شود. ایجاد و بهره‌برداری از ائتلاف‌های منطقه‌ای همچون ائتلاف‌های شورای همکاری خلیج فارس و نیز اقدام برای تشکیل «ناتوی عربی» توسط ایالات متحده از جمله دیگر مصادیق جنگ هیبریدی آمریکا در بُعد نظامی متعارف محسوب می‌شود.

«نفوذ ایران در عراق و سوریه و همچنین تغییر معادلات منطقه‌ای به ضرر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و دیگر کشورهای عرب منطقه و نیز توانایی ایران در ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک سبب شد تا ایالات متحده آمریکا، در دوره ترامپ، تلاش‌های گسترده‌ای به منظور شکل‌گیری یک نوع ائتلاف در قالب ناتوی عربی آغاز نماید» (ورزی،

1. Stuxnet

2. Flame

بعد نظامی جنگ هیبریدی در سطح نیابتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در سه‌لایه به بازیگران دولتی منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و نیز بازیگران غیردولتی همچون برخی گروه‌های عربی، کردی و همچنین سنی وابسته است.

پشتیبانی از گروه‌ها و جریان‌های تکفیری و تروریستی، پشتیبانی از گروه‌های منافقین و معاندان خارج از کشور، برپایی کنفرانس‌های بین‌المللی با هدف ترویج گفتمان ایران‌هراسی و نیز اجماع‌سازی در عرصه جهانی برای تحریم و معرفی ایران به‌عنوان یک تهدید بالفعل و کشور سلطه‌طلب و حامی تروریسم، منتقل کردن تسلیحات به کشورهای حاشیه خلیج فارس و برگزاری مانورهای نظامی در غرب آسیا از جمله اقدامات در سطح نیابتی ایالات متحده آمریکا در راستای محدودسازی ظرفیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و خروج مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران از سوریه و عراق و خاتمه دادن به اتحاد با حزب‌الله و متوقف کردن حمایت سیاسی از انصارالله محسوب می‌شود. در این بین، عربستان سعودی مهره اصلی نیابتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. این کشور به‌عنوان یک رقیب ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک برای جمهوری اسلامی ایران، با هدف جلوگیری از افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌ساز جنگ‌های نیابتی متعددی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است (پورحسن، ۱۳۹۶: ۷۳).

سرنگونی دولت بشار اسد و اشغال سوریه در دسامبر ۲۰۲۴ توسط ائتلافی متشکل از گروه‌های تروریستی تحت رهبری هیئت تحریرالشام، با بهره‌گیری از حمایت‌های پنهان برخی کشورهای منطقه‌ای (ایرنا، ۱۴۰۳/۰۹/۱۸؛ کیهان، ۱۴۰۳/۰۹/۱۹)، از جمله مهم‌ترین اقدامات نظامی نیابتی ایالات متحده آمریکا علیه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی تحولات اخیر منطقه حوادثی مانند سقوط دولت بشار اسد، شهادت سید حسن نصرالله و ترور فرماندهان مقاومت و حزب‌الله، بخشی از سناریوی گسترده و راهبردی ایالات متحده برای مهار جمهوری اسلامی است که به‌وضوح در چهارچوب جنگ هیبریدی می‌گنجد. تمام این اقدامات در واقع، بخشی از راهبرد کلی مهار ایران در منطقه است. که ایالات متحده با شناخت پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و فرهنگی منطقه خاورمیانه، تلاش دارد معادلات قدرت را به نحوی تغییر دهد که نقش کلیدی ایران در مقاومت و استقلال منطقه‌ای

کاهش یابد.

۳-۱-۶. بُعد اجتماعی

بُعد اجتماعی کشور هدف، یکی دیگر از ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. زمینه‌سازی ناآرامی‌های اجتماعی و یا حمایت از آن‌ها با استفاده از نیروهای ویژه در این راستا است. عملیات روانی، پروپاگاندا، ترور شخصیت‌های سیاسی، ایجاد التهابات اجتماعی، آشوب‌آفرینی و ناامن‌سازی یک کشور با هدف براندازی ازجمله وظایف نیروهای ویژه در بُعد اجتماعی به شمار می‌رود. در این زمینه می‌توان به ایجاد مرکز عملیات ایران در سازمان سیا در دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی اشاره کرد. این مرکز با هدف انجام اقدامات مخفی علیه جمهوری اسلامی ایران، از برخی تحلیلگران، مسئولان و کارکنان عملیاتی ارتش و سازمان سیا تشکیل شده است. «دنیل مک آدامز» با توجه به تأثیر قابل توجه این مرکز در وقایع و آشوب‌های داخلی ایران در طول سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ به نقش مرکز عملیات ایران اشاره می‌کند: «فکر می‌کنم این ناآرامی‌ها بیشتر محصول عملکرد مرکز مأموریت ایران است که توسط دولت ترامپ راه‌اندازی شده است» (سپاه‌پور^۱، ۲۰۱۹: ۱۰۱). از طرفی نقش دولت جو بایدن، در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ایران از جهات مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. دولت بایدن پس از روی کار آمدن در سال ۲۰۲۱، تلاش نمود سیاستی ترکیبی شامل فشار هوشمند و دیپلماسی را علیه ایران اجرا کند. در این چهارچوب، ضمن تمایل به احیای برجام، هم‌زمان از ابزارهای قدرت نرم و حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای برای اثر گذاشتن بر اوضاع داخلی ایران استفاده کرد. این رویکرد نشان‌دهنده تغییر و تکمیل روش اعمال فشار نسبت به دوره ترامپ است که بیشتر ماهیتی آشکار و سخت‌افزاری داشت. در این میان، اغتشاشات سال ۱۴۰۱، فرصتی را برای بهره‌برداری دولت بایدن فراهم کرد. حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای، تحرکات سایبری و تکنولوژیک، فعالیت‌های لابیگری در سازمان‌های بین‌المللی، جلب همکاری متحدین منطقه‌ای و اروپایی ازجمله اقدامات دولت بایدن در اغتشاشات ۱۴۰۱ محسوب می‌شود. به‌طورکلی دولت بایدن تلاش کرد با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی، تقویت رسانه‌ها، تحریم‌های

^۱. Sepahpour

اقتصادی جدید و حتی ابزارهای سایبری، نقشی غیرمستقیم، اما تأثیرگذار در شکل‌دهی یا تقویت روندهای ناآرامی ایفا کند

یکی دیگر از اهداف ایالات متحده آمریکا از ایجاد یا حمایت از آشوب‌های داخلی در ایران، بهره‌برداری از آن در ایجاد کنش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی است. برگزاری نشست شورای امنیت به درخواست آمریکا به بهانه پشتیبانی از ناآرامی‌های سال ۱۳۹۶ نیز در این راستا قرار می‌گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز درباره نقش آمریکا در آشوب‌های سال‌های گذشته می‌فرماید: «من به‌صراحت می‌گویم این اغتشاش‌ها و ناامنی‌ها، طراحی آمریکا و رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی بود و حقوق‌بگیران آن‌ها و برخی از ایرانی‌های خائن در خارج به آن‌ها کمک کردند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱). ایشان شتاب گرفتن پیشرفت کشور را یکی از دلایل اصلی آمریکا برای آشوب و اغتشاش‌آفرینی در ایران معرفی می‌نمایند:

«آن‌ها نمی‌خواهند این پیشرفت‌ها در کشور شکل بگیرد و به‌منظور متوقف کردن این حرکت، برای تعطیلی دانشگاه‌ها و ناامنی خیابان‌ها و درگیر شدن مسئولان به مسائل جدید در شمال غرب و جنوب شرق کشور، برنامه‌ریزی کرده‌اند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

نکته‌ای که باید در پایان این بخش بدان اشاره نمود، نقش رژیم صهیونیستی در راهبرد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. رژیم صهیونیستی ازجمله هم‌پیمانان اصلی ایالات متحده در غرب آسیا، محسوب می‌شود که نقشی ویژه در تحقق بخشی راهبرد جنگ هیبریدی علیه ایران دارد. همکاری اطلاعاتی بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحده و ارائه داده‌های حساس درباره زیرساخت‌های حیاتی ایران، به‌ویژه در حوزه انرژی هسته‌ای، حملات سایبری این رژیم مانند ویروس «استاکسنت» به زیرساخت‌های فناوری هسته‌ای ایران در راستای جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا تعریف می‌شود. نقش‌آفرینی فعال در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای و نسبت دادن ناامنی منطقه به ایران با هدف ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای منزوی کردن ایران، همراه کردن افکار عمومی غرب و حمایت از تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه ایران، ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی و تلاش برای ایجاد چنددستگی داخلی از دیگر اقدامات این رژیم در راستای جنگ هیبریدی

ایالات متحده آمریکا علیه ایران محسوب می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که رژیم صهیونیستی نقشی تکمیلی در راهبرد ایالات متحده آمریکا دارد.

۲-۳. راهکارهای کلان مقابله با جنگ هیبریدی

غفلت از جنگ ترکیبی و عدم کاربست استراتژی متناسب برای مقابله با آن مسئله‌ای است که عواقب خطرناکی از جهت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشور مورد حمله در پی خواهد داشت. به‌طوری‌که شرایط سختی را به وجود خواهد آورد که گذار دولت‌ها از آن شرایط را غیرممکن یا بسیار با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین آشنایی با راهکارهای مقابله با آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

❖ ضرورت حفظ وحدت ملی و انسجام اجتماعی

از آنجاکه ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه نسبت به حاکمیت، از بین بردن نیروهای اجتماعی و سرمایه‌های فعال جامعه از جمله اهداف دشمن در جنگ هیبریدی به‌شمار می‌رود. بنابراین همراه نمودن مردم با حاکمیت در راستای تقویت مؤلفه‌های قدرت داخلی یکی دیگر از راهکارهای مقابله هوشمندانه با جنگ هیبریدی محسوب می‌شود. در راستای بالابردن اعتماد ملی و مستحکم شدن انسجام اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند ضمن تبیین صادقانه محدودیت‌ها ضروری است مسئولان برای رفع مشکلات فعلی، اهتمام جدی داشته باشند.

❖ تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی و امنیت سایبری

جنگ هیبریدی به‌شدت بر ابزارهای سایبری و اطلاعات نادرست متکی است. لازم است شبکه‌های ارتباطی داخلی تقویت شوند و سامانه‌های پیشرفته برای مقابله با حملات سایبری و انتشار اطلاعات کذب طراحی شوند. سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی متخصص در این حوزه نیز کمک شایانی خواهد کرد.

❖ حمایت از تولید محتوا و دیپلماسی رسانه‌ای برای مقابله با نبرد روایت‌ها

جمهوری اسلامی باید رسانه‌های داخلی و بین‌المللی قوی‌تری ایجاد کند که قادر به تولید و انتشار محتوای مؤثر و جذاب برای مخاطبان جهانی باشد. همچنین، گسترش دیپلماسی عمومی و ارتباط نزدیک‌تر با جوامع خارجی برای بازتاب واقعیت‌ها ضروری است.

❖ ارتقای سواد رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی نخبگان و مردم به‌ویژه با استفاده از کرسی‌های

آزاداندیشی در مجامع علمی و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع به جامعه

❖ تنوع‌بخشی اقتصادی و کاهش وابستگی به منابع خارجی

یکی از محورهای جنگ هیبریدی فشار اقتصادی است. تقویت اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید داخلی، ارتقای فناوری‌های روز و کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی بین‌المللی ابزار کلیدی برای خنثی‌سازی این استراتژی خواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای در مواجهه با جنگ هیبریدی به راهکارهای فوق اشاره می‌کند: «ارتقای ابزارهای سایبری و رسانه‌ای، افزایش سواد رسانه‌ای برای کاهش تأثیرگذاری اطلاعات جعلی بر افکار عمومی، برنامه‌ریزی عملیاتی و اطلاعاتی، مقاوم‌سازی اقتصاد، تبیین و تحلیل مستمر وقایع و اطلاع‌رسانی به‌موقع، ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی در مجامع علمی به‌خصوص دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، اقدام به‌موقع نظامی علیه پایگاه‌های دشمن و به‌کارگیری دیپلماسی فعال برای جلوگیری از تحرکات کشورهای خارجی علیه مردم ایران باید در دستورکار قرار گیرد و انشاءالله نتیجه خواهد داد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

❖ لزوم استفاده از راهبرد مقابله ترکیبی در برابر جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی ازجمله جنگ‌های نوین و نوپیدایی است که برخلاف برداشت‌های اولیه و عامیانه، ترکیبی از جنگ‌ها نیست، بلکه نوعی جنگ فرهنگی با اهداف سیاسی و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها، ابزارها و شیوه‌ها است. بدون تردید راهبرد مقابله ترکیبی یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن است. به این معنا که علاوه بر حرکت دفاعی در مقابل این نوع جنگ، لازم است حرکتی تهاجمی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای و غیره نیز صورت پذیرد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌افزاید: «ما هم در مقابل، بایستی حرکتان حرکت ترکیبی باشد؛ از همه‌جهت بایستی تلاش کنیم. البته دفاع باید بکنیم؛ اما همیشه در موضع دفاعی نمی‌توانیم بمانیم؛ این را باید توجه داشت. این که من می‌گویم باید دفاع کنیم، خب دفاع یک کار لازم است؛ اما همیشه نمی‌شود در موضع دفاعی ماند؛ دشمن تهاجم می‌کند، ما هم باید تهاجم داشته باشیم؛ در زمینه‌های مختلف؛ هم در زمینه‌های رسانه‌ای، هم در زمینه‌های اقتصادی و هم در زمینه‌های امنیتی. اهل فکر در این زمینه‌ها مسئول‌اند؛ کسانی که اهل فکرند، اهل کار و اقدام‌اند، به‌خصوص مسئولان، در هرکدام از این عرصه‌ها که می‌توانند بایستی تلاش کنند و انشاءالله همچنان که برخلاف خواسته دشمن و

برخلاف گمان‌های آشفته دشمن، جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه، با قدرت پیش‌رفته و روز به روز بحمدالله مستحکم‌تر و ریشه‌دارتر شده، در آینده هم همین حرکت ادامه پیدا خواهد کرد؛ به نظر من و ان‌شاءالله به توفیق الهی از گذشته هم بهتر حرکت خواهیم کرد و پیش خواهیم رفت و دشمن ناکام خواهد شد؛ منتها باید هرکدام وظیفه خودمان را در هر بخشی بدانیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

از دیگر راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- فعال‌سازی دیپلماسی عمومی و فرهنگی و تولید محتوای مناسب؛
- تقویت دیپلماسی اقتصادی فعال در عرصه بین‌المللی و رفع ضعف کارآمدی نظام اقتصادی ملی؛
- دشمن‌شناسی و رصد مداوم وضعیت محیطی؛
- لزوم توجه هرچه بیشتر به ضرورت جهاد تبیین در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سایبری و فضای مجازی.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش در پاسخ به این سؤال که ابعاد جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ نتایج زیر به دست آمد:

۱. تحلیل انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا طی دو دهه اخیر، با درک محدودیت‌های جنگ سخت و ناکارآمدی نسبی جنگ نرم، رویکردی چندبُعدی و انعطاف‌پذیر تحت عنوان «جنگ هیبریدی» را در برابر جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است. بررسی شواهد و منابع معتبر نشان می‌دهد که این جنگ در شش محور اصلی سازمان‌یافته است: اطلاعاتی و امنیتی، اقتصادی (تحریم‌های هوشمند)، سیاسی و دیپلماتیک، سایبری، نظامی (متعارف و نیابتی)، اجتماعی و فرهنگی. در این چهارچوب، هدف نهایی ایالات متحده، افزایش نارضایتی عمومی، تضعیف ساختارهای حکمرانی، و نهایتاً براندازی یا تغییر رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تلفیق فشارهای سخت و نرم است؛

۲. از یافته‌های پژوهش چنین برمی‌آید که ماهیت ترکیبی و پویا بودن جنگ هیبریدی ایجاب می‌کند که راهبرد مقابله نیز ماهیتی ترکیبی و چندلایه داشته باشد. راهکارهایی نظیر تقویت مؤلفه‌های تاب‌آوری ملی (اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، ثبات اقتصادی)، ارتقای سواد رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی نخبگان و مردم، بازدارندگی فعال در فضای سایبری و رسانه‌ای و نیز تهاجم هدفمند روایت‌محور به‌منظور بی‌اعتبارسازی گفتمان دشمن، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مقابله مؤثر با این نوع تهدید به‌شمار می‌روند؛
۳. مقابله با جنگ ترکیبی نیازمند مجموعه اقداماتی هم در حوزه پدافندی و دفاعی و هم در حوزه آفندی و تهاجمی است. عدم غفلت و لزوم آگاهی نخبگان به‌صورت توأمان با مردم از جمله مهم‌ترین اقدامات دفاعی و پدافندی در مقابله با جنگ ترکیبی است. در این راستا نیز نخبگان، نقش بسزایی در آگاه‌سازی جامعه می‌توانند ایفا نمایند. زیرا از آنجاکه مردم در جمهوری اسلامی ایران پشتوانه و از مؤلفه‌های قدرت این نظام محسوب می‌شوند. بنابراین ایالات متحده آمریکا در این نوع جنگ با ایجاد نارضایتی عمومی و ایجاد بی‌اعتمادی، درصدد آسیب زدن به این پشتوانه و مؤلفه قدرت است. ازاین‌رو، آگاه‌سازی مردم از این نقشه می‌تواند تحقق هدف مذکور را با چالش و ناکامی مواجه کند. برای تکمیل اثربخشی راهکارهای دفاعی و پدافندی مذکور و به شکست کشاندن جنگ ترکیبی لازم است اقداماتی تهاجمی و آفندی نیز در عرصه‌های مختلف اطلاعاتی، سایبری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت پذیرد. چراکه این مقابله‌به‌مثل، با بالابردن هزینه‌های کاربست جنگ هیبریدی، انصراف دشمن را در استفاده از این نوع جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر کاربست رویکرد تهاجمی و آفندی سبب ایجاد نوعی بازدارندگی و کاهش تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛
۴. در نهایت، مقابله با جنگ هیبریدی آمریکا مستلزم شکل‌گیری دکترین ملی امنیت ترکیبی است که در آن تعامل منسجم و کارآمد میان دستگاه‌های اطلاعاتی، فرهنگی، رسانه‌ای، امنیتی و سیاست خارجی کشور، به‌صورت راهبردی و منطبق با تهدیدهای متغیر صورت گیرد. فقدان چنین راهبردی یکپارچه، می‌تواند هزینه‌های مقابله را افزایش داده و مخاطرات بلندمدت امنیت ملی را تشدید کند.

پیشنهاها

- ✓ کاربست متقابل جنگ هیبریدی؛
- ✓ در پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود، موضوع بازدارندگی از طریق به‌کارگیری جنگ هیبریدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای متخاصم مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد؛
- ✓ ایجاد میز مقابله با جنگ هیبریدی؛
- ✓ پیشنهاد می‌شود در هریک از بخش‌هایی که آماج تهاجم جنگ هیبریدی آمریکا قرار گرفته است، گروه یا به اصطلاح میز مبارزه با جنگ هیبریدی تأسیس گردد؛
- ✓ تقویت سازمان پدافند غیرعامل؛
- ✓ سازمان پدافند غیرعامل این ظرفیت را دارد تا نقشی کلیدی در شناسایی تهدیدات، تدوین سیاست‌های پیشگیرانه و ایجاد آمادگی در سطح ملی در مقابله با جنگ ترکیبی ایالات متحده ایفا کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

- افتخاری، اصغر؛ راجی، محمدهادی (۱۳۹۸)، جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)، مطالعات راهبردی، شماره ۱۰۹، ۷۵-۱۱۱.
- آذر، داود (۱۳۹۵)، تبیین و تحلیل عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی. علوم و فنون نظامی، سال دوازدهم، شماره ۳۷، ۴۷-۷۱.
- ایرنا (۱۴۰۳/۰۹/۱۸). «جدیدترین اخبار تحولات سوریه؛ از سقوط دمشق تا واکنش‌های داخلی و بین‌المللی»، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۶). مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ۲۰۱۵-۲۰۱۷، جستارهای سیاسی معاصر، سال هشتم، شماره ۳۲، ۲۷-۴۶.
- ثمودی پيله‌رود، علیرضا (۱۳۹۹). جنگ هیبریدی روسیه در کشورهای اروپایی؛ چرایی و چگونگی. مطالعات راهبردی، سال بیست و سوم، شماره ۸۹، ۱۷۳-۲۰۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۱۱/۲۷). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۲/۱۰). بیانات در دیدار کارگران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۱۲/۱۹). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱/۰۷/۱۱). بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح.
- راتس، آندراش (۱۳۹۷). جنگ ترکیبی روسیه در اوکراین. ترجمه محمد حسین قربانی زواره، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی سپهد صیاد شیرازی.
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (۳۱/۳/۱۴۰۲). حوزه تلفن همراه.
- قاسمی، فرهاد؛ اسماعیلی فرزین، ایرج (۱۳۹۶)، جنگ هیبریدی در سیستم بین‌المللی پیچیده-آشوبی. مدیریت نظامی، سال هفدهم، شماره ۶۶، ۵۲-۹۲.
- کیهان (۱۴۰۳/۰۹/۱۹). «آمریکا، اسرائیل و ترکیه نقاب انداختند؛ روزهای سیاه سوریه از غارت و ناامنی تا اشغال مناطق جنوبی».
- کلانتری، فتح‌الله (۱۳۹۵). تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی. راهبرد دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، ۱۴۳-۱۶۲.
- مک کالو، تیموتی؛ جانسون، ریچارد (۱۳۹۵)، جنگ ترکیبی، ترجمه زواره‌ای، مسعودرضا و الله‌یاری، احمد، نشر دافوس.

- نصیرزاده، عزیز؛ جلالی نسب، عبدالله؛ خادم دقیق، امیرھوشنگ (۱۴۰۳). جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: عوامل اثرگذار، پیشرانها و ابزارها، اهداف و نقاط آماج دشمن). امنیت ملی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، ۳۲-۹.
- ورزی، روح‌الله (۱۳۹۷). تلاش برای تشکیل سازمان دفاعی-امنیتی عربی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- Balan, S.-C. (2016). *Hybrid War-Old, But New (What Is New And What Is Not)*. Paper presented at the International Scientific Conference "Strategies XXI".
- Barnes, Julian. (2019). "U.S. Cyber-attack Hurt Iran's Ability to Target Oil Tankers, Officials Say, The New York Times.
- Chambers, John. (2016). *Countering Gray-Zone Hybrid Threats*, Available. <https://mwi.westpoint.edu/wp-content/uploads/2016/10/Countering-Gray-Zone-Hybrid-Threats.pdf>, October 18.
- McCuen, J. J. (2008). *Hybrid wars*. Military Review, 88(2), 107-113.
- Murray, Williamson and Peter Mansour, Eds (2012). *Hybrid Warfare: Fighting Complex Opponents from the Ancient World to the Present*, New York, NY: Cambridge University Press.
- Sepahpour, Soray. (2019). "Iran Social Unrest: Protests and Carefully Planned Provocations" Global Research, Available: <https://www.globalresearch.ca/iran-unrest-protests-provocations/5695820>
- Tehran Times(2023). "Crazy Scheme: Inside U.S. efforts to foment 2022 unrest in Iran", Available at: <https://www.tehrantimes.com/news/487836>, August 12
- Korybko, Andrew (2015). *Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change, Peoples' Friendship University of Russia, Moscow*
- MunichSecurityReport (2015). p35Available:https://securityconference.org/assets/02_Dokumente/01_Publikationen/MunichSecurityReport_2015.pdf